

مهاجرت روستایی در ایران واستیلای عوامل رکودی

نمونه موردی - شهرستان بندرانزلی

حسن افراخته * / اسماعیل آقائی زاده **

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۸۹/۰۴/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۰/۰۱/۳۱

چکیده

نتایج سرشماری‌های رسمی در ایران حاکی از این است که با گذشت زمان سهم جمعیت روستایی در کل جمعیت ایران رو به کاهش نهاده و بسیاری از روستاهای کشور خالی از سکنه شده‌اند. آمارهای مهاجرتی در ایران نیز گویای مهاجرت شدید جمعیت از روستاها به شهرهای کشور طی نیم قرن گذشته بوده است. مجموع این موارد حاکی از شرایط نامناسب روستاهای ایران برای سکونت و جذب جمعیت می باشد.

مشکل ترک روستاها و تخلیه آن‌ها توسط روستائیان یکی از مباحث مهم در زمینه مسائل روستایی به حساب می‌آید. بروز این مشکل دلایل مختلفی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کمبود امکانات و عدم دسترسی به خدمات مختلف مورد نیاز می باشد. این مورد باعث شده تا مهاجرت از روستا در ذهن اکثر افراد به عنوان رویدادی نامطلوب در روستاها در نظر گرفته شود. دوره پس از اصلاحات ارضی دوره بروز تغییرات وسیع در زندگی روستائیان بوده است که مهاجرت وسیعی را منجر گردید. اما پس از گذشت چند دهه اثرات فوق کمرنگ و یا محو شده و به جای آن رکود حاصله در اقتصاد و معاش روستایی جایگزین آن گردیده است.

در این مقاله با تکیه بر مطالعات میدانی و معرفی ویژگیهای اقتصادی - اجتماعی جمعیت مورد مطالعه، دلایل مهاجرت از روستاهای شهرستان بندرانزلی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بررسی های مقاله حاضر نشان می‌دهد که روستاهای شهرستان بندرانزلی در حال حاضر با عدم موازنه تعداد جمعیت و میزان منابع طبیعی مواجه می باشند که به صورت وجود تعداد زیادی از نیروی کار جوان و کمبود منابع معاش از طریق کشاورزی جلوه‌گر گردیده است.

بررسی‌های میدانی صورت گرفته حاکی از این است که درصد عمده‌ای از مهاجرتهاى صورت گرفته در سطح روستاهای شهرستان بندرانزلی در راستای دستیابی به کار برای تأمین معاش خانواده در نتیجه کاهش منابع طبیعی و سطح پایین تکنولوژی جهت ارتقای سطح کیفی تولید بوده است که مشخصاً بر وجود مهاجرت رکودی صحنه می‌گذارد.

واژگان کلیدی: روستا، مهاجرت روستایی، مهاجرت رکودی، بندرانزلی.

* استاد گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم تهران.

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت معلم تهران.

- این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد اسماعیل آقائی زاده تحت عنوان تحلیلی بر مهاجرت روستایی (نمونه موردی بندرانزلی) می باشد.

مقدمه

پس از گذار بشر از کوچندگی به یکجا نشینی تحولات عمیقی در زندگی انسان‌ها رخ داد. در حدود ده هزار سال پیش تحول عظیمی در زندگی انسان به وجود آمد که پایه‌های تمدن و فرهنگ بر آن استوار گشت. این تحول را انقلاب کشاورزی نامیده‌اند.

از پیامدهای بسیار مهم تحول کشاورزی، یکجانشینی بود، زیرا کشتکاران از وابستگی به کوچ مداوم رها شده و به زمین وابسته گردیدند (نظریان؛ ۱۳۷۵، ۱۱۸) که این امر پیدایش روستاها را به دنبال داشت. این جامعه در طول تاریخ، فراز و نشیبهای بسیاری را به خود دیده و با تغییر حکومتها و دیدگاه‌ها، جلوه‌های متفاوتی از رونق و رکود را تجربه نموده است.

روستا از گذشته همواره با زمین و منابع طبیعی معنا یافته و موجودیت خود را در آن طلبیده و یافته است و این تعامل میان انسان روستایی و طبیعت تا به امروز نیز کماکان ادامه داشته است. اما تحولات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... به وجود آمده طی قرن اخیر و به خصوص چند دهه گذشته، زمینه ایجاد تغییرات وسیعی در ارتباط میان روستایی و منابع طبیعی روستا فراهم نموده و گاه به این ارتباط رنگ و بوی متخاصمانه‌ای داده است، به نحوی که گاه به بهره‌کشی بی‌امان از منابع طبیعی محدود روستا برای ارضای نیازمندی‌های نامحدود و گاه کاذب انسانی انجامیده است. افزایش جمعیت روستاها که علیرغم بروز مهاجرت‌های روستایی به دلایلی از جمله ارتقای سطح بهداشت و به تبع آن بهبود وضعیت سلامت و بقای افراد، سیری صعودی را نشان می‌دهد نیز بر این امر دامن زده و مشکلاتی را برای روستاها فراهم نموده است که در این مقاله، یکی از وجوه این امر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

طرح مسئله

مهاجرت به مفهوم جا به جایی جمعیت از روستا به شهر و از شهر به روستا، در ایران از اواخر قرن گذشته (شمسی) محسوس و نمایان گردید. این مهاجرت به علل گوناگون اقتصادی - اجتماعی صورت می‌گرفت و مهم‌ترین علت آن افزایش جمعیت کشور از یک سو و نضج و بسط روابط سرمایه داری در شهر و سپس در روستا از سوی دیگر، بوده است (اعتماد؛ ۱۳۷۷، ۶۹). بر اساس نظریه «لی» زمانی فرد تصمیم به مهاجرت خواهد گرفت که عوامل دافعه در یک مکان بیشتر از عوامل جاذبه بوده و در حقیقت دافعه مکان اول آنقدر زیاد باشد که فرد تصمیم به مهاجرت بگیرد. مهاجر با مقایسه عوامل جاذبه و دافعه در مقصد تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (پاپلی یزدی و رجبی سناجرودی؛ ۱۳۸۲، ۲۲۹). به طور کلی در ایران، به خصوص قبل از اصلاحات ارضی و تحولات اقتصادی - اجتماعی چند دهه اخیر، مهاجرت‌های داخلی کند و اندک بوده است، زیرا به علل مشکلات اقتصادی - اجتماعی در شهر و عدم توانایی جامعه شهری برای جذب نیروی کار آزاد شده از روستا، گاه مهاجرین مجبور به بازگشت به زمین و تأمین معاش خود به شیوه معیشتی می‌گشتند، یا لاقلاً مهاجرت تنها به شکل فصلی صورت می‌گرفته است (اعتماد؛ ۱۳۷۷، ۷۶). اما با انجام اصلاحات ارضی این حرکت بطئی و کند جای خود را به حرکت شتابان و در بیشتر موارد غیر قابل کنترل داد، چنانکه به یکی از دلایل اصلی وقوع شهرنشینی مشکل زمین مبدل گردید. مهاجرت از روستا به شهر پس از اصلاحات ارضی عمده‌تأ ناشی از عوامل تغییر دهنده بوده است، یعنی عواملی که موجب دگرگونی ساخت تولید روستایی از یک سو و تشدید شکاف بین دستمزد و در نتیجه سطح زندگی در شهر و روستا گردید. به عبارت دیگر مهاجرت بیشتر ناشی از

۱۳۸۵، این شهرستان دارای ۲۸ آبادی و تعداد افراد ساکن در روستاهای آن ۲۲۴۹۱ نفر بوده است. ابتدا بر اساس بررسیهای اولیه کوشش گردید که روستاهای ناحیه بر حسب میزان جمعیت، نوع معیشت غالب و فاصله از شهر طبقه بندی شوند و خوشه‌های روستایی مشخص گردند. با توجه به بررسی‌های انجام شده آبادیهای شهرستان بندرانزلی را از نظر معیشت می‌توان در سه گروه کلی صید و صیادی، کشاورزی و مختلط دسته بندی نمود^۱ که از این لحاظ تعداد ۲ آبادی در دسته صید و صیادی، ۱۸ آبادی در دسته کشاورزی و ۵ آبادی در دسته مختلط قرار دارند. از نظر جمعیت نیز آبادیها به دو دسته کمتر از ۵۰۰ نفر جمعیت و بیش از ۵۰۰ نفر تقسیم گردیده که به ترتیب ۱۳ روستا در گروه اول و ۱۲ روستا در گروه دوم جای گرفته‌اند. همچنین از نظر فاصله نیز روستاها به دو دسته کمتر از ۱۵ کیلومتر و بیش از ۱۵ کیلومتر تقسیم شده که ۸ آبادی در گروه اول و ۱۵ آبادی در گروه دوم قرار دارند.^۲

تعداد ۳ آبادی شهرستان بندرانزلی به دلایل مختلف از جمله پیوستن به شهرستان بندرانزلی (یک آبادی) و قرار گرفتن در محدوده بلافاصل آبادیهای بزرگتر (دو آبادی) در این گروه بندی در نظر گرفته نشده است و به همین دلیل تعداد ۲۵ آبادی در خوشه های فوق ملاحظه می‌گردد. با توجه به دسته بندیهای انجام شده و در نظر گرفتن فراوانی‌های هر خوشه تعداد ۸ آبادی به عنوان جامعه نمونه انتخاب گردیده است که این روستاها شامل روستاهای کوچک محله، سنگاچین، تر به گوده، شيله سر، حسن رود، سیاه خاله سر، گلشن و آب کنار می‌باشد.

از خانوارهای روستاهای نمونه تعدادی خانوار نمونه انتخاب و از طریق تکمیل پرسشنامه اطلاعات مورد نیاز فراهم شده است. داده های جمع آوری شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتیجه گیری شده است. روشهای

توسعه اقتصادی همراه با رشد مناسبات سرمایه داری در سطح شهر و روستا بود (همان؛ ۶۹).

دراین میان اثرات اصلاحات ارضی در شهرها و روستاهای کشور به صورت یکسان متجلی نگردیده و بنا به ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تفاوتهایی دیده می‌شود. شهرستان بندرانزلی یکی از شهرستان‌های استان گیلان به دلیل موقعیت خاص خود از جمله قرار گرفتن در کنار دریا دارای روستاهایی با کارکرد و عملکردهای متفاوت می‌باشد. بنابراین با توجه به تنوع معیشت روستائیان واقع در حوزه این شهرستان از جمله شکار، صیادی، کشاورزی و خدماتی و مقایسه این روستاها با یکدیگر در گروههای مجزا در زمینه انگیزه مهاجرت قابل تأمل می‌باشد. در این مقاله مسئله مهاجرت های روستایی در شهرستان بندرانزلی از نقطه نظر عوامل تغییر دهنده یا رکودی و عواقب آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است و در این راستا در این مقاله کوشش می‌شود به سؤالات ذیل پاسخ داده شود:

- مهاجرت روستائیان در شهرستان بندرانزلی جهت دستیابی به چه خواسته هایی صورت می‌گیرد؟
- آیا منابع طبیعی موجود در روستاهای شهرستان، با توجه به سطح تکنولوژی تکافوی جمعیت آن را می‌کند؟
- در حال حاضر با توجه به گذشت حدود ۴۵ سال از اصلاحات ارضی کدام دسته از عوامل (تغییردهنده یا رکودی) را می‌توان به عنوان عوامل اصلی مهاجرت در بندرانزلی معرفی نمود؟

روش پژوهش

جامعه مورد مطالعه این تحقیق را روستاهای حوزه شهرستان بندرانزلی تشکیل می‌دهد. این شهرستان یکی از شهرستان‌های استان گیلان و مرکز آن شهر بندرانزلی می‌باشد. براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن آبان

کتابخانه‌ای، میدانی و تحلیلی سه روش مورد استفاده در این پژوهش می باشند. در مرحله اولیه منابع راجع به موضوع شناسایی شده و مورد استفاده قرار گرفته است. اطلاعات دیگری که در این پژوهش کسب گردیده با توجه به آمار و اسناد ارائه شده از سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط مانند مرکز آمار ایران، جهادکشاورزی شهرستان بندرانزلی، و همچنین از کتابخانه های مراکز مختلف استفاده گردیده است.

ناحیه مورد مطالعه

بندرانزلی یکی از شهرستان‌های تابعه استان گیلان و مرکز آن شهر بندرانزلی است که بین ۴۹ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۴۹ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۲۵ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته و از شهرستان‌های کناره جنوب دریای خزر می باشد. تصویر شماره ۱ موقعیت ناحیه مورد مطالعه را نشان می دهد. این شهرستان از شمال به دریای خزر، از جنوب به شهرستان رشت و صومعه سرا، از شرق به شهرستان رشت و صومعه سرا و از غرب به شهرستان رضوانشهر محدود می گردد. شهرستان بندرانزلی از یک بخش مرکزی و دو دهستان به نام های چهارفریضه و لیچارکی حسن رود تشکیل شده است که شهر بندرانزلی تنها شهر این شهرستان و مرکز آن است (سازمان برنامه بودجه؛ ۱۳۷۷، ۱۷). وسعت این شهرستان حدود ۳۰۴/۷ کیلومتر مربع می باشد (www.mpo-g.ir). یکی از خصوصیات اصلی شهرستان بندرانزلی وجود مرداب انزلی در داخل شهرستان است. محدوده آب تالاب انزلی را می توان در مساحتی بالغ بر ۱۰۰ کیلومتر مربع تصور نمود (اصلاح عربانی؛ ۱۳۷۴، ۳۴۰) که در نیمه غربی این شهرستان توسط آب راهی ازمیان شهر انزلی به دریای خزر ارتباط می یابد (سازمان نقشه برداری کشور؛ ۱۳۷۰، ۱۱). این بندر

به علت ارتباط با کشور شوروی سابق و نزدیکی به نقاط پر جمعیت و مراکز مهم تجاری و صنعتی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که ضمن تماس دریایی با بنادر شوروی در ساحل خزر، از طریق کانال ولگا - دن و دریای سیاه با بنادر تجاری و بین المللی کشورهای مختلف اروپایی نیز ارتباط دارد (وحدانی تبار و شیخ الاسلامی؛ ۱۳۶۶، ۱۰۲۹).

داده های پژوهش

وضعیت اقتصادی

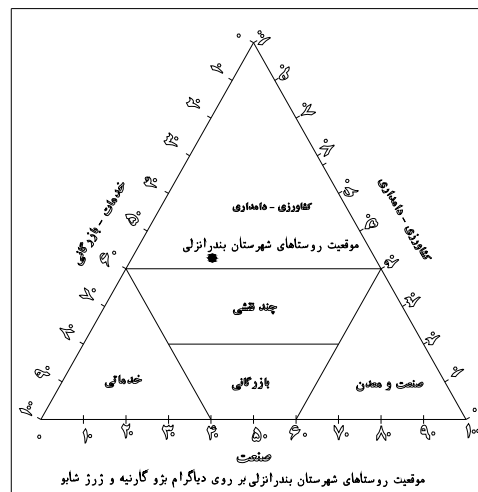
روستاهای شهرستان بندرانزلی از نظر نظام معیشت در سه گروه کلی زراعت، صید و صیادی، و مختلط قابل دسته بندی می باشند که در این صورت تسلط معیشت کشاورزی بر زندگی این افراد امری غیر قابل انکار است بر اساس محاسبات صورت گرفته ضریب مکانی (LQ) سه بخش عمده اقتصادی یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب ۳/۶، ۰/۶ و ۰/۷ شده است که نشان دهنده پایه بودن بخش کشاورزی در روستاهای شهرستان بندرانزلی می باشد. در محاسبات فوق ارقام ناحیه مربوط به شهرستان بندرانزلی می باشد. از طرف دیگر براساس روش بوژوگانیه وژرژ شابو (دیاگرام مثلث) که با استفاده از نسبت شاغلین در هریک از بخشهای اقتصادی خود سکونتگاه و صرف نظر از ارقام متناظر منطقه ای محاسبه می شود، نقش غالب اقتصادی روستاهای شهرستان نیز کشاورزی می باشد. با توجه به نقش مؤثر کشاورزی در معاش روستائیان شهرستان بندرانزلی بررسی وضعیت این بخش در شهرستان الزامیست. در حال حاضر کشاورزی در شهرستان بندرانزلی در مجموع، در بخش زراعت و صیادی خلاصه می گردد و دامداری در آن روز به روز در

در مجموع در طول یک سال زراعی مبلغ یک میلیون و دویست هزار تومان خواهد بود که با تقسیم این رقم به تعداد ماههای سال و همچنین محاسبه هزینه در هکتار که برابر با ۵۰۰ هزار تومان است و برای 0.73 هکتار برابر با ۳۶۵ هزار تومان خواهد بود، ملاحظه می گردد که چیز زیادی برای کشاورز نخواهد ماند. البته این ارقام به صورت سرانه بیان شده اند که مسلماً درآمد برخی که زمینهای زیادتری دارند نسبت به آنهایی که زمین محدودی در اختیار دارند بسیار بیشتر است. آگاهی علوفان^۲ از نیاز کشاورزان باعث سوء استفاده های فراوانی می گردد. اینان در هنگام خرید محصول با پایین نگه داشتن قیمت، سعی در کسب حداکثر سود دارند و کشاورز مقروض مجبور به فروش محصول به بهایی اندک می باشد. حتی بعضی از روستائیان ادعا نموده اند، که به دلیل فرا رسیدن سررسید پولهایی که نزول کرده اند، گاه حتی قوتی برای خود نگذاشته و همه را، حتی بذری^۳ که برای کشت و کار سال آینده جدا نموده اند، می فروشند تا قرض خود را بپردازند. کشاورزان به دو دلیل سعی می کنند که بدهی خود را هرچه سریعتر پرداخت نمایند: اول اینکه از اضافه شدن میزان سود جلوگیری نمایند و دوم که بسیار نیز شایع است اینکه نزد نزول خواران بدحساب نشده تا بتوانند مجدداً پول قرض نمایند. بنابراین بازپس دادن قرض به معنی پایان بدهکاری نیست، بلکه شروع مجدد چرخه بدهکاری کشاورزان است، چنانکه برخی از آنان در همان روزی که قرض خود را می پردازند، دوباره نزول می نمایند و این دور تسلسل همچنان ادامه می یابد.

علاوه بر زراعت بخش صیادی در شهرستان بندرانزلی رونق فراوانی دارد. این شهرستان علاوه بر اینکه در کنار ساحل جنوبی دریای خزر قرار گرفته در داخل خود نیز از نعمت وجود تالاب انزلی بهره می برد که در طول

حال زوال می باشد که در دهه اخیر نیز شدت بیشتری یافته است.

ت ۱.



زراعت در شهرستان بندرانزلی تقریباً در کشت برنج خلاصه می گردد. به بار آوردن این محصول که به عنوان قوت اصلی اهالی روستاهای شهرستان مطرح می باشد، بسیار سخت و پرمشقت است، چنانچه برخی از روستائیان در علت نامگذاری و وجه تسمیه آن معتقدند که اسم اولیه این محصول بارنج بوده است که مقصود از آن این است که با رنج بسیار می توان آن را به عرصه رساند. براساس آمار اخذ شده از جهاد کشاورزی شهرستان بندرانزلی در سال ۱۳۸۵، متوسط زمین زیر کاشت بهره برداران برابر با 0.73 هکتار بوده است. بنابر بررسی های به عمل آمده مشخص گردید که حد متوسط تولید در هر هکتار برابر با $2/5$ تن می باشد که با این وصف می توان گفت که متوسط تولید برای هر بهره بردار برابر با $1/8$ تن خواهد بود که پس از تبدیل آن به برنج (که از هر ۱۰۰ درصد شلتوک، حدود ۵۵ درصد برنج به دست خواهد آمد) حدود یک تن برنج، سرانه تولید افراد است. با در نظر گرفتن متوسط قیمت برنج یعنی کیلویی ۱۲۰۰۰ ریال،

سالیان دراز منبع بسیار با ارزشی برای اهالی به‌ویژه روستائیان این خطه بوده است. در حال حاضر صید ماهی در دونوع ماهی‌های استخوانی و کیلکا انجام می‌شود. براساس ضوابط شیلات ایران فصل مجاز برای صید ماهیهای استخوانی منحصر به پاییز و زمستان می‌باشد که شرکت‌های تعاونی موسوم به پیره^۶ از آن بهره‌برداری می‌نمایند. صید کیلکا محدودیت زمانی نداشته و در چهار فصل سال صید این نوع ماهی آزاد می‌باشد. در اینجا براساس آمار اخذ شده از اداره کل شیلات استان گیلان اطلاعاتی در زمینه وضعیت صیادی استان گیلان به تفکیک صید کیلکا و ماهیهای استخوانی (ماهی سفید، کفال و ...) طی سالهای ۸۵-۱۳۶۸ و شهرستان بندرانزلی طی سالهای ۸۵-۱۳۸۱ ارائه می‌گردد. براساس این آمار تعداد شناور صید کیلکا در سال ۱۳۶۸ برابر با ۹ شناور و در سال ۱۳۸۵ برابر ۷۷ شناور بوده است. البته تعداد شناورها در این مدت دارای نوسان بوده و تا ۱۱۰ شناور نیز موجود بوده است. میزان کل صید از ۱۵۰۸۲۷۳ تن در سال ۱۳۶۸ به ۸۳۴۸۰۰۰ تن در سال ۱۳۸۵ رسیده است. میزان صید در طول این چند سال ۶۸۳۹۷۲۷ تن افزایش داشته است. البته این بدان معنی نیست که میزان سرانه صید در بین افراد و شرکتها افزایش یافته، زیرا با توجه به تعداد شناور مشخص می‌گردد که میزان صید برای هر شناور تنزل نیز داشته است. چنانکه میزان صید برای هر شناور در سال ۱۳۶۸ برابر با ۱۶۷۵۸۶ تن و این میزان در سال ۱۳۸۵ معادل ۱۰۸۴۱۵ تن برای هر شناور بوده است. بنابراین ملاحظه می‌گردد که از سهم هر شناور ۵۹۱۷۱ تن کاسته شده است.

ماهیهای استخوانی توسط شرکت‌هایی موسوم به پره صید می‌گردند. تعداد این شرکتها از ۲۳ شرکت در سال ۱۳۶۸ به ۶۱ شرکت در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است. تعداد صیادان که یا به صورت سهامدار و یا کارگر در این

شرکتها مشغول به کار می‌باشند از ۱۶۱۰ نفر در سال ۱۳۶۸ به ۴۷۴۵ نفر در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته اند. جمع کل صید نیز از ۳۳۶۳ تن در سال ۱۳۶۸ به ۳۵۷۸ تن در سال ۱۳۸۵ افزایش داشته است. اما با توجه به افزایش تعداد شرکتها ملاحظه می‌گردد که میزان صید با رکود مواجه شده است، چراکه با توجه به آمار اخذ شده از اداره کل شیلات استان گیلان، متوسط صید هر شرکت از ۱۴۶ تن در سال ۱۳۶۸ به ۶۰ تن در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است.

جدول شماره ۱. مقایسه تعدادشناور و میزان صید کیلکا استان گیلان در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۸۵

عنوان سال	تعداد شناور	مقدار صید (تن)	متوسط صید (تن)
۱۳۶۸	۹	۱۵۰۸۲۷۳	۱۶۷۵۸۶
۱۳۸۵	۷۷	۸۳۴۸۰۰۰	۱۰۸۴۱۵

مأخذ. اداره کل شیلات استان گیلان.

جدول شماره ۲. مقایسه تعداد شرکتها و میزان صید ماهیهای استخوانی استان گیلان در سال ۱۳۶۸ و ۱۳۸۵

عنوان سال	تعداد شرکت	تعداد صیاد	مقدار صید (تن)	متوسط صید (تن)
۱۳۶۸	۲۳	۱۶۱۰	۳۳۶۳	۱۴۶
۱۳۸۵	۶۱	۴۷۴۵	۳۵۷۸	۶۰

مأخذ. اداره کل شیلات استان گیلان.

وضعیت مهاجرت روستایی

جهت آشنایی با وضعیت مهاجرت در شهرستان بندرانزلی از آمار و ارقام ارائه شده از سوی شبکه بهداشت شهرستان بندرانزلی استفاده گردیده است. در این تحلیل ابتدا نرخ رشد مطلق جمعیت در فاصله سالهای ۷۹ تا ۸۵ استخراج و سپس از طریق آمار موالید

آن گونه که در جدول مذکور نیز مشخص است، علت مهاجرت افراد را می‌توان در چهار دسته نشان داد که عبارتند از: افرادی که برای دستیابی به موقعیت کاری و امرار معاش، به دلیل ازدواج، دستیابی به تسهیلات و در نهایت برای کار و دستیابی به تسهیلات بیشتر به طور توأمان روستا را ترک نموده‌اند. در این میان دستیابی به موقعیت کاری مطلوب و امکان بهتر امرار معاش بیشترین تعداد و درصد را به خود اختصاص داده است، و براین اساس ۶۸ درصد از کل مهاجرین جامعه نمونه دلیل اصلی ترک روستا را این مورد عنوان داشته‌اند. ازدواج عامل مهم دیگر برای ترک روستا در بین افراد جامعه نمونه به حساب می‌آید که ۱۶/۵ درصد از آنان را شامل می‌گردد. ۸۳ درصد از این افراد را زنان تشکیل می‌دهد که ۱۸ درصد از آنان جزو زنان با تحصیلات حداقل دیپلم شاغل در مقصد مهاجرت بوده‌اند. مابقی افراد در زمره مردانی هستند که به دلیل ازدواج و مهیا شدن فرصت اشتغال و زندگی در مکانی دیگر ترجیح داده‌اند که روستا را ترک نمایند. دستیابی به تسهیلات از دیگر دلایل ذکر شده از سوی مهاجرین بوده است. ۶/۲ درصد از افراد این عامل را مهم‌ترین دلیل برای مهاجرت خود عنوان نموده‌اند.

و مرگ و میر دریافتی نرخ رشد طبیعی محاسبه گردیده است. نرخ رشد جمعیت روستایی شهرستان بندرانزلی در فاصله سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵، ۰/۱۳- درصد بوده است. نرخ رشد طبیعی جمعیت نیز برابر با ۱/۴ درصد محاسبه گردیده است. با کسر نرخ رشد طبیعی یعنی نرخ رشدی که روستا می‌بایست با توجه به میزان موالید و مرگ و میر به طور طبیعی بدان دست می‌یافت از نرخ رشد مطلق به عنوان نرخ رشد واقعی می‌توان به نرخ مهاجرت دست یافت. چنانچه در ذیل نیز مشخص است، تفاضل این دو عدد، نرخ مهاجرتی معادل ۱/۵۳ درصد را نشان می‌دهد که با توجه به مثبت بودن عدد مهاجر فرست بودن روستاها تأیید می‌گردد (در صورتی که در فرمول جای نرخ رشد طبیعی و نرخ رشد واقعی جمعیت عوض شود، منفی بودن عدد، نشانگر مهاجر فرست بودن خواهد بود).

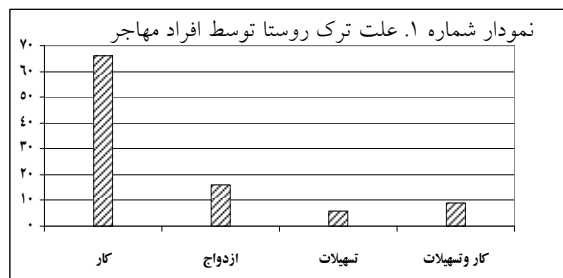
نرخ رشد جمعیت - نرخ رشد طبیعی = نرخ خالص مهاجرت

$$\Rightarrow 1/53 = (-1/13) - 1/4$$

روند مهاجرت در شهرستان بندرانزلی متفاوت و تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده است. این عوامل با تکمیل پرسشنامه در بررسیهای میدانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. علت ترک روستا توسط افراد مهاجر.

جمع	کار و تسهیلات	تسهیلات	ازدواج	کار	علت مهاجرت
۹۷	۹	۶	۱۶	۶۶	تعداد
۱۰۰	۹/۳	۶/۲	۱۶/۵	۶۸	درصد



مأخذ: پرسشگری محلی.

ادامه تحصیل فرزند و یا دسترسی به مراکز پزشکی بیشترین دلایل اصلی ذکر شده در این گروه از افراد بوده است. جدای از عوامل ذکر شده فوق حدود ۹/۳ درصد از افراد دلیل اصلی مهاجرت خود را دستیابی به شغل دلخواه و همچنین تسهیلات بیشتر ذکر کرده‌اند البته قابل ذکر است که حدود ۴۰ درصد از این افراد کار را در اولویت اول قرار داده و دستیابی به تسهیلات در درجه دوم اهمیت بوده است.

سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که چرا به رغم وجود پتانسیل های فراوان در شهرستان بندرانزلی باز هم دستیابی به کار عامل عمده مهاجرت افراد را تشکیل می‌دهد. این سوال از افرادی که علت اصلی مهاجرت خود را کار یا دستیابی به کار و تسهیلات ذکر کرده‌اند (۷۷/۳ درصد)، پرسیده شد. جوابهای ارائه شده در جدول شماره ۴ نشان داده شده است. براساس داده جدول مورد اشاره نمودار شماره ۲ نیز تهیه گردیده است. چنانچه نمودار نشان می‌دهد کمبود زمین بیشترین فراوانی را دارا می باشد. افرادی که کمبود زمین را علت اصلی مهاجرت خود عنوان داشته‌اند را می توان به دو دسته تقسیم نمود. دسته اول شامل کسانی می‌گردد که از ابتدا فاقد زمین بوده اند و با انجام فعالیتهای مربوط به کشاورزی که عمدتاً شامل کارگری کشاورزی بوده است، امرار معاش می نمودند و دسته دوم کسانی بوده اند که نسل قبلی آنها یعنی پدرانشان از میزان زمین تقریباً مطلوبی برای گذران زندگی برخوردار بوده‌اند ولی پس از آنها با توجه به تعدد فرزندان و تقسیم زمین بین آنها میزان زمین مکتسبه به سختی تکافوی گذران معاش آنها را می دهد. از طرفی با توجه به عدم وجود زمین بلااستفاده و همچنین بالا رفتن ارزش زمین امکان اضافه شدن به سطح زمینهای زراعی روستا دیگر وجود نداشته و یا به سختی امکانپذیر می‌باشد. این مسئله خود به خود

بر موجودیت دسته اول مؤثر بوده است زیرا به دلیل کم شدن سطح زمینهای زراعی افراد، از میزان نیاز به کارگر کشاورزی به شدت کاسته شده و و زارعین خود به تنهایی و یا با تعداد بسیار معدودی کارگر قادر به کشاورزی بر روی زمینهای خود می باشند. لازم به ذکر است که کاهش قدرت اقتصادی این افراد و توانایی اندک آنان در پرداخت دستمزد کارگران نیز سهم بسیار عمده‌ای در عدم استفاده آنان از کارگران کشاورزی است. گروه دیگری از افراد عدم امکان اشتغال در بخش صیادی را به عنوان مشکل اصلی ذکر کرده‌اند. این عده کسانی هستند که پدرانشان در بخش صیادی (پره) شاغل بوده و از زمین زراعی بهره چندانی ندارند. این افراد بنا بر اظهار نظر خودشان، به دلایل مختلفی قادر به فعالیت در بخش صیادی نیستند اولاً اینکه صیادی دارای ضوابط و محدودیتهای قانونی زیادی است ثانیاً با مکانیزه شدن صیادی و استفاده از ابزارآلات جدید از تعداد افراد مورد نیاز کاسته گردیده است ثالثاً طی چند سال اخیر بر تعداد افراد شاغل در این بخش افزوده شده و دریا قادر به تأمین زندگی افراد جدیدتری نیست و رابعاً طی چند سال اخیر از میزان صید ماهی کاسته گردیده است. این افراد مجموع عوامل فوق الذکر را دلایل اصلی عدم اشتیاق به فعالیت در بخش صیادی ذکر کرده‌اند. حدود ۱۴/۷ درصد از افراد عدم اشتغال در بخش صیادی را علت اصلی مهاجرت خود عنوان داشته اند.

کمبود امکانات و خدمات عمومی از جمله مواردی بوده است که افراد در توجیه ترک روستا ذکر نموده‌اند. منظور از خدمات عمومی خدماتی است که از سوی خود دولت و یا زیر نظر او برای برآوردن نیازهایی که نفع عمومی را در بردارند، ارائه می‌گردد. (آسایش ۱۳۷۹، ۷۸). این افراد همگی از میان کسانی بوده‌اند که دستیابی به کار و تسهیلات را به طور توأمان دلیل مهاجرت خود دانسته‌اند.

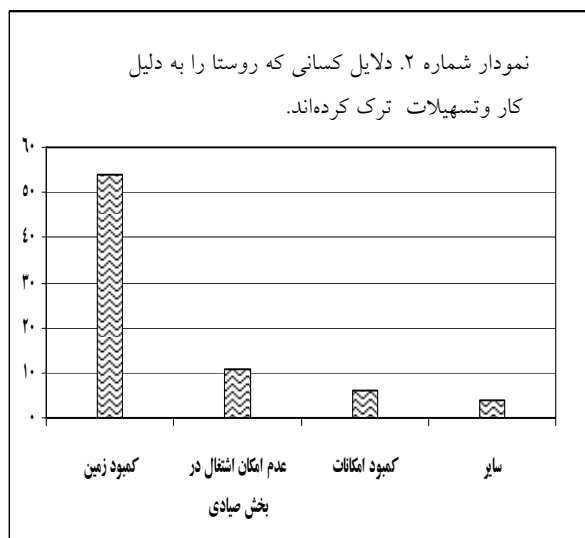
مهاجرت مطرح بوده است» (Shadman; 1974,25). معاش اهالی روستاهای شهرستان بندرانزلی وابسته به اقتصاد کشاورزی می‌باشد که خود مبتنی بر دو بخش زراعت و صیادی است. وابستگی نزدیک به مطلق روستاها به این بخش از اقتصاد منجر گردیده است که کوچکترین تغییری در کمیت و کیفیت منابع آن‌ها تأثیرات غیرقابل انکاری در زندگی روستائیان داشته باشد.

حدود ۸ درصد از مهاجرین در این دسته قرار می‌گیرند. علاوه بر گروههای فوق، ۵/۳ درصد از افراد که اکثراً از گروه افراد تحصیل کرده نیز بوده‌اند، دلایل مختلفی از جمله دستیابی به کار متناسب با رشته تحصیلی خود، عدم وجود مکان ترقی و پیشرفت در سطح روستا، عدم وجود بینش اجتماعی همسان با این افراد در روستا و، را عنوان داشته‌اند.

جدول شماره ۴. دلایل کسانی که روستا را به دلیل کار و تسهیلات روستا ترک کرده‌اند.

تعداد	کمبود زمین	عدم امکان اشتغال در بخش صیادی	کمبود امکانات	سایر	جمع
۵۴	۱۱	۶	۴	۷۵	
۷۲	۱۴/۷	۸	۵/۳	۱۰۰	

مأخذ . پرسشگری محلی.



تجزیه و تحلیل

نوشته‌های مربوط به اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ که در آثار لوئیس، تودارو، فی ورائیس، هاریس و استیگلیتز مشهود است، دلایل اصلی مهاجرت‌های روستا به شهر را به ساختارهای اقتصادی مرتبط می‌سازند (طاهرخانی؛ ۱۳۷۱، ۱۳). در حقیقت می‌توان اذعان داشت که «عمده‌ترین انگیزه‌های مهاجرتی را انگیزه‌های اقتصادی تشکیل می‌دهد» (مطیعی لنگرودی؛ ۱۳۸۱، ۷۰) و «تفاوت‌های درآمدی از گذشته به عنوان علت اصلی تصمیم برای

آمار و ارقام ارائه شده از وضعیت زراعت و صیادی در شهرستان بندرانزلی گویای عدم تناسب بین نیروی کار روستاها و منابع موجود بوده و به مرور زمان تشدید نیز خواهد گردید.

افزایش تعداد نیروی کار از یک سو و ثابت ماندن منابع و گاه کاهش آن به‌ویژه در بخش صیادی تنشی جدی در روستاها به وجود آورده است، به نحوی که منابع درآمدی فعلی جوابگوی نیاز اهالی نخواهد بود. چنانکه گفته شد متوسط زمین هر بهره‌بردار کشاورزی چیزی در حدود ۰/۷۳ هکتار است. از آنجا که این میزان زمین به طور متوسط ارائه گردیده است، مسلماً تعدادی زیادی از افراد کمتر از این میزان زمین در اختیار دارند و با استفاده از فعالیتهای جنبی زندگی خود را می‌گذرانند.

برخی دیگر با توجه به سطح بالاتر برخورداری از زمین کشاورزی، با دغدغه کمتری قادر به تأمین معاش خانواده خود هستند اما نسل بعدی این افراد نیز با توجه به تقسیم زمین و کاهش سهم هریک از آنان از این مصونیت برخوردار نبوده و دچار مسائل جدی خواهند شد، چنانکه بسیاری از افرادی که در حال حاضر با کمبود زمین روبرو هستند در گذشته چنین شرایطی داشته‌اند. در این حالت افراد دو راه بیشتر پیش رو ندارند: اول اینکه در روستا بمانند خود را با شرایط موجود وفق داده و به طرق مختلف روزگار بگذرانند و دوم اینکه روستا را ترک کرده و راه مهاجرت را انتخاب نمایند که اکثریت این راه دوم را انتخاب می‌نمایند، چرا که «بسیاری از مطالعات انجام شده نشان دهنده وجود همبستگی مثبت بین نسبت میزان زمین اختصاصی به فرد و میل به مهاجرت می‌باشد» (Connell et al;1976,7).

بخش صیادی نیز با چنین وضعیتی روبه‌روست. چنانکه در جدول شماره ۲ نشان داده شده است، رکود در بخش

صیادی نیز به طور واضح قابل مشاهده است. میزان صید ماهی رشد متناسبی با افزایش تعداد شناورهای صید کیلکا و شرکتهای تعاونی صید ماهی نداشته است. تعداد شناورهای صید کیلکا از ۹ فروند در سال ۱۳۶۸ به ۷۷ فروند در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است و در همان زمان متوسط صید ماهی از ۱۶۷ هزار تن به ۱۰۸ هزار تن کاهش یافته است. این مسئله در مورد صید ماهیهای استخوانی که به وسیله شرکتهای صید ماهی موسوم به پره انجام می‌شود، از وضعیت به مراتب بدتری برخوردار می‌باشند، چنانکه با افزایش تعداد این شرکتهای از ۲۳ شرکت به ۶۱ شرکت، متوسط صید به ازای هر شرکت از ۱۴۶ تن در سال ۱۳۶۸ به ۶۰ تن در سال ۱۳۸۵ یعنی کمتر از نصف تنزل یافته است. به عبارت دیگر با وجود اضافه شدن ۳۸ شرکت بهره‌برداری و ۳۱۳۵ صیاد در سال ۱۳۸۵ نسبت به سال ۱۳۶۸، میزان صید فقط ۶/۴ درصد افزایش یافته است که نشان دهنده ضعف این بخش از اقتصاد روستایی دارد.

بررسی‌های میدانی صورت گرفته نیز مؤید وجود زمینه‌های ایجاد نیروی کار مازاد بر نیاز در سطح روستاهاست. آن‌گونه که در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، درصد عمده مهاجرت‌های صورت گرفته در راستای نیاز به دستیابی به کار برای تأمین معاش خانواده بوده است که حدود ۷۷/۳ درصد را به خود اختصاص داده است (مجموع مهاجرت جهت دستیابی به کار و کار و تسهیلات).

از این میزان حدود ۷۲ درصد کمبود زمین و ۱۴/۷ درصد عدم امکان اشتغال در بخش صیادی و فقط ۱۳/۷ درصد کمبود امکانات و سایر دلایل را برای مهاجرت خود عنوان داشته‌اند. بنابراین حدود ۸۶/۷ درصد از مهاجرت‌های صورت گرفته در اثر عدم کشش منابع موجود، حداقل در شرایط فعلی برای تأمین اهالی

جستجو کرد که به عوامل رکودی مشهورند. عواملی از این دست در واقع نتیجه عدم تکافوی امکانات موجود در منطقه‌ای خاص می‌باشد و در نتیجه عدم موازنه بین تعداد ساکنان و میزان منابع طبیعی است که این امر به وضوح در روستاهای شهرستان بندر انزلی قابل مشاهده می‌باشد. بنابر آنچه تا کنون گفته شد، روستاهای شهرستان بندرانزلی در حال حاضر با عدم موازنه تعداد جمعیت و میزان منابع طبیعی مواجه می‌باشند که به صورت وجود تعداد زیادی از نیروی کار جوان و کمبود منابع معاش از طریق کشاورزی جلوه گر گردیده است. سعی در نگه‌داشت این نیروی جوان با پتانسیل بالای کار و فعالیت مسلماً نمی‌تواند معقول باشد که در این صورت جوانان یا مجبورند از نیروی بالقوه خود استفاده ننموده و طی زمان فرتوت گردند یا از آن برای فعالیتهای غیر قانونی که کمترین آن‌ها شاید صید غیر قانونی باشد استفاده نمایند که در هر دو صورت خسارت جبران ناپذیری برای روستا و روستائیان خواهد بود. طی چند سال اخیر مهاجرت تشدید گردیده است اما متأسفانه این مهاجرتها در بسیاری از موارد بدون شناسایی دقیق مقصد بوده و در نتیجه مشکلاتی را برای افراد فراهم نموده است. چرا که «شناخت از حوزه مقصد به‌ندرت دقیق است و در واقع برخی از مزایا و زیانهای یک حوزه، به وسیله زندگی در آنجا می‌تواند درک شود» (لهسایی زاده؛ ۱۳۶۸، ۶۲). از این رو یکی از ملزومات اساسی در زمینه ساماندهی به مهاجرت روستایی در این خطه برنامه‌ریزی در جهت هدایت صحیح جریانهای مهاجرت می‌باشد تا هم از وارد آمدن فشار بیش از حد به روستا ممانعت به عمل آید و هم از ایجاد گروه مهاجرین سرگردان در شهرها که یکی از مشکلات اساسی جامعه شهری حال حاضر به حساب می‌آید، جلوگیری شود، ضمن اینکه از استعدادهای نیروی کار آزاد شده به نحو احسن استفاده شود.

روستاها بوده است و بر ایجاد روند مهاجرتها از نوع رکودی در سطح روستاها صحه می‌گذارد.

اگر قبلاً عدم وجود قطبهای جاذب جمعیت نظیر صنایع بزرگ، مراکز آموزش عالی و ... باعث می‌شده که استان گیلان نتواند به‌عنوان یک استان مهاجرپذیر مطرح باشد (کتابی؛ ۱۳۶۳، ۲۹۱)، در حال حاضر این مسئله با توجه به افزایش جمعیت و رکود در فعالیت کشاورزی، موجبات تشدید مهاجر فرستی را فراهم آورده است.

عدم استفاده صحیح از تکنولوژی جدید و دانش علمی در زمینه کشاورزی نیز این مسئله را تشدید نموده است که البته وجود کشاورز همیشه مقروض و بدهکار براین امر دامن می‌زند و باعث می‌گردد که این افراد دیگر فرصت ریسک و آزمایش روشهای پیشنهادی ارگان‌هایی نظیر جهاد کشاورزی را نداشته باشند، لذا زراعت در حقیقت راهی است برای زنده ماندن و نه زندگی کردن، مگر در مورد معدود کسانی که دارای زمین زیادی بوده و از ابزار و لوازم کافی برخوردارند که البته بعید نیست که تنها چند صباحی دیگر با قطعه قطعه شدن زمین این افراد بین وراثت مشکلاتی اینچنین دامنگیر فرزندانشان شود.

قطعه قطعه شدن هرچه بیشتر زمینهای کشاورزی در نتیجه فوت مالک اولیه و تقسیم زمین در بین فرزندان، از یک طرف کارایی زمینهای کشاورزی را به شدت کاهش داده و هرگونه برنامه‌ریزی اصولی را دچار مشکل می‌نماید و از طرف دیگر بر کاهش درآمد افراد تأثیر مستقیم داشته است و سهم هر یک از افراد از زمینهای کشاورزی روز به روز در حال کاهش می‌باشد.

بهره برداری روزافزون از منابع آبی و دریایی و افزایش تعداد بهره برداران چه به صورت قانونی و چه غیر قانونی باعث کاهش میزان عایدی افراد از این نعمت خدادادی گردیده است. بنابرین آنچه که مشوق اصلی افراد در ترک روستا می‌باشد را می‌توان در عواملی

نتیجه

چنانکه مشخص گردید، معاش روستائیان شهرستان بندرانزلی از طریق فعالیتهای کشاورزی مبتنی بر دو بخش زراعت و صیادی تأمین می‌گردد و در واقع اقتصادی کشاورزی در این روستاها حاکم است. هرگونه تغییری در این حوزه اثرات غیر قابل انکاری در زندگی آنها خواهد داشت که از جمله این اثرات، فراهم شدن زمینه‌های مهاجرت افراد است. «عوامل ارادی مهاجرت که اغلب جنبه اقتصادی دارد، شامل پیدا کردن کار و کار بهتر، ایجاد مراکز صنعتی و تجاری و سایر انگیزه‌های شغلی است» (زنجانی؛ ۱۳۸۰، ۱۲۸) و روستائیان در راستای ارضای این نیاز به ترک روستاها مبادرت ورزیده‌اند. چنانکه در جدول شماره ۳ نشان داده شده است، ۶۸ درصد از کسانی که روستاها را ترک نموده‌اند، دلیل اصلی خود را دستیابی به شغل مناسب جهت گذران امور ذکر کرده‌اند و اگر افرادی که علت مهاجرت آنها به طور توأمان کار و تسهیلات بوده نیز بدان‌ها افزوده شود، می‌توان گفت که چیزی در حدود ۷۷ درصد از مهاجرین، روستا را برای به دست آوردن فرصت شغلی ترک نموده‌اند.

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که شاید این افراد امکان کار کشاورزی داشته‌اند و علت مهاجرت آنها، عدم علاقه به فعالیت کشاورزی و علاقه مندی به فعالیتهای غیرکشاورزی بوده باشد. از این رو پاسخ این افراد در این زمینه نیز بررسی و نتیجه آن در جدول شماره ۴ آورده شده است. چنانکه مشخص است، تنها ۸ درصد از افراد، بر کمبود امکانات اشتغال با توجه به علاقه‌مندی خود در حوزه غیرکشاورزی تأکید کرده و چیزی در حدود ۵ درصد نیز دلایل دیگری را ذکر کرده‌اند.

۸۷ درصد از مهاجرین، با وجود علاقه خود به کار در بخش کشاورزی مجبور به ترک روستا گردیده‌اند که دلیل ۷۲ درصد از افراد کمبود زمین کشاورزی و حدود ۱۵ درصد نیز عدم امکان اشتغال در بخش صیادی با توجه به اشباع این بخش و عدم ایجاد درآمد مکفی بوده است. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که منابع طبیعی موجود شامل اراضی کشاورزی و منابع دریایی در منطقه کافی نبوده و با توجه به سطح فعلی بهره‌برداری از فن آوری، نمی‌توان به توانایی روستاهای شهرستان در برآوردن نیازهای اقتصادی اهالی و علی‌الخصوص نسل جوان امیدوار بود. مجموع شرایط حاکم بر روستاها حاکی از وجود عدم موازنه بین بسترهای اشتغال و تقاضای اشتغال نیروی انسانی ساکن در روستاها بوده و منابع موجود در روستاها قادر به ارضای نیازمندیهای روبه‌تزايد افراد و به‌خصوص جوانان، خواه واقعی و خواه کاذب، نیست. در این حالت روستایی چاره‌ای جز ترک روستا و پناه آوردن به منابع درآمدی دیگر در شهرها ندارد و در نتیجه عوامل اصلی حاکم بر مهاجرت در روستاهای شهرستان از نوع عوامل رکودی و بیانگر استیلای مهاجرت رکودی است. از این رو در نهایت و در پاسخ به سؤالات مطرح شده در ابتدای این نوشتار، می‌توان ادعا نمود که:

اولاً مهاجرت روستائیان در شهرستان بندرانزلی جهت دستیابی به فرصتهای شغلی بوده؛

ثانیاً منابع موجود در روستاهای شهرستان بندرانزلی با توجه به سطح پایین استفاده از تکنولوژی، جوابگوی خواسته‌های روستائیان نیست؛ و

ثالثاً با توجه به گذشت حدود ۴۵ سال از اصلاحات ارضی و کمرنگ شدن اثرات آن به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر دهنده در سطح روستاهای کشور به طور اعم و در سطح روستاهای شهرستان بندرانزلی به

پی نوشت

۱. اطلاعات اخذ شده از جهاد کشاورزی شهرستان بندرانزلی.
۲. سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، سایت مرکز آمار ایران.
۳. اطلاعات اخذ شده از جهاد کشاورزی شهرستان بندرانزلی.
۴. خریداران عمده برنج از کشاورزان.
۵. در زبان محلی به آن تخم جُب می گویند.
۶. روش صید، ساحلی و انتظاری است که اساس کار در آن محدود کردن منطقه‌ای از دریاست که از عمق تاسطح آب را در بر می‌گیرد. طول پره معمولاً ۱۱۰۰ متر و عرض آن ۱۰ تا ۱۵ متر می‌باشد. طول و عرض پره با توجه به شرایط جوی و (تغییرات دمای آب) و بستر دریا تغییر می‌کند.

منابع

- آسایش، حسین. اصول و روشهای برنامه‌ریزی ناحیه‌ای. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۹.
- اصلاح عربانی، ابراهیم. کتاب گیلان. تهران: گروه پژوهشگران ایران، ۱۳۷۴.
- اعتماد، گیتی. شهرنشینی در ایران. چ ۷. تهران: آگاه، ۱۳۸۸.
- پاپلی یزدی، محمد حسین، رجبی سانجردی، حسین. نظریه‌های شهر و پیرامون. چ ۱. تهران: سمت، ۱۳۸۲.
- پایانامه دکتری، استاد راهنما، محمود مشکوه، کتابی، احمد. دانشگاه تهران: ۱۳۶۳.
- تحلیلی بر مهاجرت روستایی- نمونه موردی: شهرستان بندرانزلی، پایان نامه کارشناسی ارشد. آقائی زاده، اسماعیل. استاد راهنما، حسن افراخته. دانشگاه تربیت معلم تهران، ۱۳۸۶.
- زنجانی، حبیب اله. مهاجرت. تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- سازمان نقشه برداری کشور. فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور، شهرستان بندرانزلی. چ ۱. تهران، ۱۳۷۰.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵.
- طاهرخانی، مهدی. «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا شهری»، فصلنامه روستا و توسعه. شماره ۳ و ۴، ۱۳۷۹.

طور اخص، «عوامل رکودی» را می‌توان به‌عنوان عوامل اصلی مهاجرت روستایی در بندرانزلی معرفی نمود. اما آنچه که باید مورد توجه بیشتری قرار گیرد این است که، در مواردی مهاجرت روستایی به رغم وجود پتانسیل‌های فعالیت در محل مبدأ یعنی روستا، صرفاً به دلیل وجود کششهای بیشتر در مقصد صورت می‌گیرد که برای روستاها پدیده‌ای منفی به حساب می‌آید، اما زمانی رخداد مهاجرت به دلیل عدم وجود زمینه‌های فعالیت برای افراد در مبدأ است و نیروی کار زاید مجبور به ترک روستا می‌گردند. از این رو نمی‌توان با این پدیده در هردو حالت فوق به صورت یکسان برخورد نمود. زمانی که مهاجرت به دلیل عدم توانایی روستا در به‌کارگیری نیروی مازاد رخ می‌دهد، یعنی مهاجرت از نوع رکودی در جریان است. در این حالت یا باید با ارتقای کمی و کیفی منطقه مهاجرت‌فرست در حفظ نیروی انسانی آن کوشید یا در غیر این صورت، نه تنها نباید سدی در برابر روند مهاجرت ایجاد کرد، بلکه با کانالیزه کردن جهت، مسیر و مقصد مهاجران، زمینه استفاده حداکثر از این نیروی ارزشمند را فراهم نمود.

در حال حاضر مهاجرت در بندرانزلی از نوع رکودی بوده و سعی در حفظ نیروهای مازاد در روستاهای این شهرستان بدون مهیا کردن زمینه‌های فعالیت و اشتغال در روستا منطقی نیست و در شرایط موجود می‌بایست با توجه به توانهای افراد، در کانالیزه و جهت‌دار کردن پدیده مهاجرت در شهرستان کوشید. البته نباید از این حقیقت غفلت نمود که پتانسیل‌های موجود در شهرستان بندرانزلی بسیار بیشتر از جمعیت روستاهاست و عدم بهره‌برداری صحیح از این پتانسیل هاست که در شرایط فعلی، راهکار مهاجرت جهت‌دار را معنی‌دار می‌کند.

- لهسایی زاده، عبدالعلی . نظریات مهاجرت . شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۶۸.

- مطیع لنگرودی، حسن . جغرافیای اقتصادی ایران (کشاورزی) . ج ۱. مشهد: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۱.

- نظریان، اصغر. «جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی». تهران: فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۲، ۱۳۷۵.

- وحدانی تبار، حسن و شیخ الاسلامی، وحید. جغرافیای کامل ایران . تهران: شرکت چاپ و نشر ایران، ۱۳۶۶.

- Shadman , Mohammad. *An analysis of the determinants of migration in Iran*. Illinois, 1974.

- Connell et al. *Migration from rural areas. the evidence from village studies*, Delhi: oxford U.P, 1976.

- www.mpo-g.ir